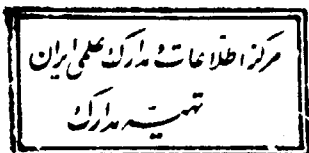


۱۳۸۰ / ۴ / ۳۰



دانشگاه تربیت مدرس

دانشکده هنر



پایان نامه دوره کارشناسی ارشد پژوهش هنر

موضوع:

رمزگرایی در هنر معنوی و فقدان رمز در

هنر معاصر

(باتأکید بر نقاشی)

011590

امیرعباس محمدی راد

استاد راهنما:

دکتر حبیب الله آیت اللهی

استاد مشاور:

دکتر محمود دینای مطلق

زمستان ۱۳۷۹

۳۴۴۹۹

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه **خکانم / آقای امیرعباس محمدی راد**
تحت عنوان: **رمزگرایی در هنر معنوی و فقدان رمز در هنر معاصر (با تأکید بر نقاشی)**
را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می‌کنند.

اعضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیأت داوران
	دانشیار	دکتر حبیب آیت اللهی	۱- استاد راهنما
	استادیار	دکتر محمود بینا مطلق	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر محمد خزائی	۳- نماینده تحصیلات تکمیلی
	دانشیار	دکتر غلامعلی حاتم	۴- استاد ممتحن
	استادیار	دکتر مهناز شایسته فر	۵- استاد ممتحن



بسمه تعالی

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً، به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته پژوهش علمی است که در سال ۱۳۷۹ در دانشکده حسابداری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم / جناب آقای دکتر آیت الله ...، مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر ... بنسبت ... و مشاوره سرکار خانم / جناب آقای دکتر ... از آن دفاع شده است.»

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب امر علی بن محمد ... دانشجوی رشته پژوهش علمی مقطع ... متعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: امر علی بن محمد ...

تاریخ و امضا:

۱۳۹۱/۱۱/۳۰

« والعصر ان الانسان لفي خسر ... »

قرآن كريم سورة ١٠٣ آيات ٢ و ١

تقدیم به پیران راهم

پدر، مادر و همسر زندگانیم

با سپاس و تشکر از اساتید عزیز
جناب آقای دکتر حبیب‌الله
آیت‌اللهی و جناب آقای دکتر
محمود بینای مطلق که در طی راه
صمیمانه یاریم فرمودند . و
قدردانی از تمام کارکنان دانشگاه
امور اداری ، کتابخانه و تمام
دوستان و عزیزانی که بهر سبب
مسبب این امر بوده اند .

چکیده:

پرداختن به «رمز» و «نمادگرایی» رمزگونه از اصول بیان هنرهای معنوی و دینی است. گاه نمادها و رمزگانها در هنر به تبع درک و بینش جامعه و هنرمند معنی و مفهومی پایین تر از حد حقیقی خود دارند و تنزل می یابند. و در مواقعی از تاریخ بشری که دنیای امروزه گرفتار آن است در عرصه «زندگی بشری»، «نشانه» و «رمز» جایگاهی مناسب نمی یابد پس جایگاه اصلی «رمز» و نمادها در هنر معنوی چیست؟ و علت ناپدید شدن «رمز» به معنای حقیقی در دنیای امروزه کدام است؟ پس از تحلیل و نقد و بررسی دو دیدگاه «سنتی» و «امروزی» (مدرن) و بروز آنها در نحله های گوناگون، نتیجه آن است که در دنیای معاصر مفهوم و تبیین درستی از «رمزگرایی» که زبان هنر دینی می باشد بعمل نیامده است. و «عملکرد» حقیقی و درست این مفهوم بطور جدی باید مورد دقت و عمل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: رمزگرایی، هنر معنوی، فقدان رمز، هنر معاصر

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
	فصل اول: اشاره ای بر مبانی بنیادی
۳	۱-۱- سنت چیست؟
۸	۲-۱- معانی و جایگاه هنر
۱۱	۳-۱- هستی از دیدگاه هستی
۱۸	۴-۱- رمز، تمثیل، نماد، نشانه
	فصل دوم: اشاره بر تجلیات رمزگرایی در هنر چندنگرش هستی
۲۶	۱-۲- رمز در کعبه
۲۸	۱-۱-۲- ارکان بیت و خواطر قلب
۲۹	۲-۱-۲- مقدار ارتفاع بیت و منازل قلب
۲۹	۳-۱-۲- حاملان بیت و حاملان قلب
۲۹	۲-۲- وجوه رمزی در عناصر معماری اسلامی و نگارگری
۳۱	۱-۲-۲- معماری اسلامی
۳۶	۲-۲-۲- نگارگری
۳۹	۳-۲- هندوگرایی (هندوئیسم)
۴۳	۴-۲- بوداگرایی (بودیسم)
۴۸	۵-۲- تائوگرایی (تائوئیسم)
۵۱	۶-۲- ذن
۶۶	۷-۲- قبایل بدوی
۶۷	۸-۲- اعتقادات پایه اصلی تفکر و رمز گرایی در هنر اقوام بدوی
۶۷	۱-۸-۲- آفریقایی سیاه
۷۱	۲-۸-۲- قبایل توگلا لاسو
۷۶	۹-۲- سده های میانه اروپا (عصر ایمان)
	فصل سوم: ریشه یابی رمز گریزی در حیطه تاریخ (از رنسانس تا عصر حاضر)
۸۸	۱-۳- نظری بر فضای دوره باززایش (رنسانس) (اشاره هایی بر ریشه های انحطاط)
۹۷	۲-۳- شکل گیری بزوک
۹۹	۳-۳- طبیعی گرایی (ناتورالیسم)، تنسیق گرایی (نئوکلاسیسیسم)

۱۰۱۴-۳-احساسگرایی (امپرسیونیسم)
۱۰۷۵-۳-شاعرانه گرایی (رمانتیسیسم)
۱۱۲۶-۳-واقعی گرایی (رنالیسم)
۱۱۴۷-۳-نماد گرایی (سمبلیسم)
۱۲۱۸-۳-مفهوم واقعیت و جایگاه انسان در هنر عصر جدید
۱۳۱۹-۳-انسان از دیدگاه روانکاوان و هنر جدید
۱۳۴۱۰-۳-فراواقعی گرایی (سوررئالیسم)
۱۳۸۱۱-۳- نتیجه

فصل چهارم: نقد ضوابط هنری در دنیای معاصر (عصر جدید)

۱۳۹۱-۴-هنر امروزی (مدرن)
۱۴۴۲-۴-تجلی شگفتی بجای زیبایی در دنیای فراواقعی گرایی (سوررئالیسم)
۱۴۷۳-۴-دنیای امروز- دنیای حاکمیت کمیت
۱۵۲۴-۴-تجلی فردگرایی در دنیای امروزی، فردگرایی (اندیویدوالیسم)
۱۵۵۵-۴-ملی گرایی (دموکراسی) متجددمآبانه
۱۵۷۶-۴-اختراعات خطر ساز
۱۵۸۷-۴-شرق امروز
۱۶۰۸-۴-شرایط احیاء هنر معنوی
۱۶۴سخن آخر
۱۶۸فهرست منابع و مأخذ
۱۷۰چکیده انگلیسی

فهرست تصاویر

صفحه

- تصویر ۱-۲- از تزئینات سقف رواق، گنبد سلطانیه ۳۳
- تصویر ۲-۲- از تزئینات سقف رواق، گنبد سلطانیه ۳۴
- تصویر ۲-۳- شاکله تناسبات تمثال حقیقی بودا، بر حسب طرحی که نقاشی تبتی کشیده است به نقل از کتاب *Cimes et Lamas* نوشته Marco Pallis ۴۶
- تصویر ۲-۴- جستجوی گاو، به نقل از کتاب *ذن چیست؟* نوشته ع. پاشایی، تهران، انتشارات نیلوفر ۱۳۷۱ ۵۵
- تصویر ۲-۵- دیدن رد پای گاو، به نقل از همان ۵۶
- تصویر ۲-۶- دیدن گاو، به نقل از همان ۵۷
- تصویر ۲-۷- گرفتن گاو، به نقل از همان ۵۸
- تصویر ۲-۸- رام کردن گاو، به نقل از همان ۵۹
- تصویر ۲-۹- به خانه آمدن بر پشت گاو، به نقل از همان ۶۰
- تصویر ۲-۱۰- گاو فراموش شده- تنها مرد به جا مانده، به نقل از همان ۶۱
- تصویر ۲-۱۱- گاو و مرد هر دواز نظر نا پدید شده، به نقل از همان ۶۲
- تصویر ۲-۱۲- باز گشت به اصل، باز آمدن به خاستگاه، به نقل از همان ۶۳
- تصویر ۲-۱۳- به شهر آمدن بادست های پربرکت. به نقل از همان ۶۴
- تصویر ۲-۱۴- صورتک آفریقایی Mpongwe، هنر آفریقا، جان ناس نیکلاسن، ۱۹۷۵ ۶۵
- تصویر ۲-۱۵- هنر آفریقایی Dualla، هنر آفریقا، جان ناس نیکلاسن، ۱۹۷۵ ۷۰
- تصویر ۲-۱۶- هنر سرخپوستان آمریکا، جان اسنوز، نیویورک، ۱۹۷۲ ۷۵
- تصویر ۲-۱۷- سه صورت مختلف علامت رمزی مسیح در گورخانه دخمه ای، به نقل از Oskar Beyer ۸۲
- تصویر ۲-۱۸- علامت رمزی میان دو حرف آلفا و مگا، به نقل از کتاب *هنر مقدس تیتوس بورکهارت* ۸۴
- تصویر ۲-۱۹- هنر رومی وار، قدیس یوحنا ی انجیل نویس ز کتاب انجیل کشیش ودریکوس، اندکی پیش از ۱۱۴۷ انجمن باستانشناسی آون فرانسه ۸۶
- تصویر ۳-۱- میکلائز، سقف نمازخانه سبتین ۱۵۰۸-۱۵۱۲، مجموعه شخصی ۹۲
- تصویر ۳-۲- جورج استابز، حمله شیر بر اسب ۱۷۷۰، نگارخانه هنری دانشگاه ییل، نیوهیون، کانتیکت ۱۰۸

- تصویر ۳-۳-جان هنری فیوزلی، کابوس، ۱۷۸۵-۱۷۹۰، موزه گوته، فرانکفورت ۱۰۸
- تصویر ۳-۴-ویلیام بلیک، آغاز زمان، تصویر سرصفحه کتاب اروپا یا یک پیشگویی ۱۷۹۴. سیاه‌قلم
چاپی از روی فلز برجسته و رنگ آمیزی شده بادست، کتابخانه کنگره، واشینگتن ۱۰۹
- تصویر ۳-۵-پل گوگن، مسیح زرد، رنگ روغن روی بوم، مجموعه شخصی ۱۱۵
- تصویر ۳-۶-موریس ولامینک، روستا، رنگ روغن روی بوم، ۱۹۰۵، مجموعه شخصی ۱۲۵
- تصویر ۳-۷-واسیلی کاندینسکی، ترکیب بندی، رنگ روغن روی بوم، ۱۹۱۳،
مجموعه شخصی ۱۲۹
- تصویر ۴-۱-سالوادوردالی، شعری از آمریکا، رنگ روغن روی بوم، ۱۹۴۳، به نقل از کتاب *دالی*، از
روبرت دسچازنز ۱۹۷۱ ۱۴۶

مقدمه:

صفحاتی را که پیش رو دارید برگ سبزی است تحت عنوان «رمزگرایی در هنر معنوی و فقدان رمز در هنر معاصر» که از حقیر ارائه گردیده است.

در آغاز سخن لازم می‌دانم توضیحی به اختصار در عنوان پایان نامه آورده شود.

«رمز» را به معنی نماد صرف نگرفته ایم، بلکه کارکردی وسیع تر از «نشانه» می‌یابد. حوزه و سیطره درست رمز را در کیفیت معنوی آن معنی نموده‌ایم. و «رمزگرایی» گرایشی شبیه برگرایش‌های محدود امروزی که میل به آسمانی شدن ندارند، نبوده از دید تعالیم الهی که «همه چیز نشانه اوست» آورده‌ایم و بالتبع هنر در رابطه تنگاتنگ با این مسئله قرار می‌گیرد و «معنوی» در عنوان و نیز در سیر نگارش و جستجو به معنای عمیق و درونی آن که تعالیم الهی راه آن را نمایانده‌اند، منظور نظر بوده است. چنانکه از منصور حلاج پرسیدند از باطن گوی فرمود:

باطن الباطل یا باطن الحق باطن الباطل زحمت آرد و باطن الحق رحمت.

و نیز در سیر جستجو و نگارش «فقدان رمز» و عدم حضور کلی و یا گاه حضور نادرست آن را در «هنر معاصر» آورده‌ایم.

در فصل اول با اشاره به مبانی اعتقادی از دیدگاه سنتی در باب خالق و آفرینش، زیبایی و نسبت اثر هنری با هنرمند و بالعکس و نیز جایگاه و معانی «رمز» و گستردگی و محدودیت آن برخوردار شده است.

در فصل دوم با توجه به تعالیم سنتی مظاهر و تجلیات رمزگرایی در چندین کلمه سنتی بصورت نمونه آمده است که در کل فصل اول و دوم به شرح و توضیح «رمزگرایی در هنر معنوی» می‌پردازد.

فصل سوم به ریشه یابی علل و چگونگی انحطاط دنیای معاصر نزدیک می‌گردد و بدین علت بناچار به تسلسل و روال تاریخی آن بیشتر توجه شده است و در سیر تاریخ هنر که از ابتدای انحطاط یعنی سالهای آخر سده‌های میانه اروپا و آغاز رنسانس می‌آغازد پیگیری شده است و در روال تاریخی که تا دنیای معاصر پیش می‌آید به انحرافات، بویژه در زمینه نقاشی بیشتر پرداخته شده است.

در فصل چهارم، به نقد ضوابط و ارزشهای مطروحه در دنیای مدرن معاصر می پردازیم که نتیجه مباحث فصل سوم و ادامه آنها بصورت «نقد» از دیدگاه سنتی است.

نوع ارائه مطالب در کل کار ترکیبی است که گاه روندی تاریخی نیز یافته است. در مباحث فصل دوم که از هنر شرق اوراقی را آورده ایم سیر تاریخی حذف گردیده است. چراکه این حقیق پیگیری تاریخی نگرشهای «درست» را مدنظر نداشته ام و این درحالی است که در ریشه یابی و نمایاندن نمودهای بارز انحطاط به سیر تاریخی بویژه در اروپا بیشتر پرداخته شده است. آنچه که از این بحث و نقد نتیجه می گردد این است که:

برای دستیابی به «نگاه» و «قضاوتی» درست بخصوص در مسائلی چنین که فعالیت و سیرتاریخی را نیز در پی دارد باید نگاهی اشرافی داشت و حضور و اتصال قلبی به مبدأ آفرینش باعث و بانی «نگاهی» درست خواهد بود و «تحلیل» مسائل نیز بویژه از این طریق میسر و سالم می گردند وگرنه اگر اصول قضاوت از دانشها و هنرهای غیرروحانی باب زمانه اخذ شود، گزینشها و ارزش گذاریها دچار انحراف خواهند شد.

درحین جستجو و نگارش مطالب، مطالبی درست را که از اشخاص معتبر آورده ام چون در نوع خود کامل، زیبا و خلاصه یافته ام با حفظ امانتداری بازگویی کرده ام و از صرفی براین اعتقاد دارم که کلام حق اگر با همان لحن و بار موسیقایی سائم خود آورده شود مؤثر، زیباتر خواهد بود. لازم به ذکر است که در نقل سخنان دیگران، کوشیده شده است. تنها به جای واژه های بیگانه معادل های رایج در فارسی امروز گذارده شوند تا سیاق نوشتار کتاب یکدست گردد.

امیر عباس محمدی زاد

مهر ۱۳۷۹

فصل اول: اشاره‌یی بر مبانی بنیادی

اشاره‌یی بر مبنای بنیادی

۱-۱ سنت چیست؟

خداوند می‌فرماید: «کنت کنزا» مخفیا» ما حیت ان اعرف ا...» من گنجی پنهان بودم، خواستم شناخته شوم، آفرینش را آفریدم تا شناخته شوم (حدیث قدسی) و در قرآن کریم آمده است: «هو الاول والآخر والظاهر والباطن» در اینجا می‌توان گفت مبانی متافیزیکی زیبایی و هنر داده شده‌اند. مبانی متافیزیکی زیبایی یا هنر ریشه زیبایی در عالم الهی، که گنجی مخفی است، دارد. چون خداوند ظاهر است، بدین ترتیب آنچه در تجلی است. بنابراین کل آفرینش تجلی الهی می‌شود. این وجه‌الظاهر برای شناساندن خداوند است؛ فرموده من گنجی پنهان بودم، خواستم شناخته شوم. پس هر صورتی متجلی‌کننده حقیقتی الهی است و از اینجا رابطه تنگاتنگ زیبایی با هنر آشکار می‌شود.

همین اصول که از اسلام بیان شد به زبان کمی تفصیلی تر نزد افلاطون هم هست بقول افلاطون زیبایی فره حقیقت است و به این ترتیب به هیچ وجه نمی‌شود گفت احساس زیبایی شناسی ذهنی (سوبژکتیو، وابسته به شناسنده) است. بلکه از این دید زیبایی همانقدر عینی (ابژه‌کتیو) است که یک محاسبه ریاضی، علمی که متناظر با معیارهای زیبایی شناسی است، علم نماد است که یکی از کلیدهای اساسی برای درک تعالیم سنن می‌باشد.^(۱)

۱- از مقاله آقای دکتر محمود بنای مطلق تحت عنوان «مبانی متافیزیکی زیبایی و هنر»

حال با این مقدمه دو جنبه «مطلقیت» و «بینهایت» بودن خداوند آورده می شود که ما را به بیان «رمزی» این دو جنبه رهنمون می سازد.

«اگر بخواهیم درباره مبانی متافیزیکی هنر بحث کنیم، باید از خداوند شروع کرد. اولین و بالاترین چیزی که درباره او می توان گفت، این است که خداوند مطلق و بینهایت است. مطلقیت الزاما بینهایتی را به دنبال خود می آورد. چرا که مطلق یعنی بی چون و بی چونی یعنی اسقاط هر نوع تعیین. می توان گفت مطلق و بینهایت دو جنبه یک اصل است؛ خداوند اگر بینهایت نباشد، یعنی نهایی داشته باشد. این نهایت دقیقا از مطلقیتش می کاهد. پس خداوند مطلق بینهایت است و این دو جدا از هم نیستند، فقط در ذهن ما با دو کلمه بیان می شوند. اما این بینهایتی در معنای دقیقش یعنی در برداشتن همه امکانات، پس این بی نهایی شامل امکان کل آفرینش می شود که ریشه حجابهای متجلی کننده و پوشاننده در آن است. در قرآن کلمه «وجه» برای ذات خداوند بکار می رود. کل من علیها فان و بقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام - پس وقتی که «وجه» نماد «ذات» گرفته می شود، آنچه که روی آن را می پوشاند حجاب گفته می شود و در اسلام آمده است که خداوند را حجابها بی نور و ظلمت می پوشانند و اگر این حجابها رکنار بزنند، سبحات جمالش چشمها را کور می کند. (۱) پس کل آفرینش حجاب است. حجاب دو نقش اساسی دارد، از یک طرف پوشاننده وجه است و از طرفی متجلی کننده آن، متجلی کننده از آن جهت که تنها راه ارتباط با وجه از ورای حجاب است و پوشاننده از آن جهت که تعیینی روی وجه می آورد و این تعیین یعنی محدود کردن و در نتیجه پوشاندن، این کلمه حجاب دقیقا معادل اصطلاح هندی «مایا» و کلمه وجه معادل «آتما» است.» (۲)

۱ - حدیث: ان الله سبعین الف حجاباً من نور و ظلمه لو كشفها لاحرق سبحات وجهه ما ادركه بصره من حبه

۲ - کلمه سانسکریت آتما یعنی خود. غش و درهندوئیسم به معنای اخس آن منظور خود انهی است (Divine Self) که

می توان فرق آن را با برهمه (Brahma) ینگونه گرفت: خداوند بعنوان ذهنیت مطلق آتما است و بعنوان عینیت مصر برهمه گفته

مایا نیز از نظر لغوی معنای خیال یا وهم را دارد که معادل حجاب در عرفان اسلامی است.